آه ! آقاجان دیر نکن ! هر کجا هستی زود بیا ! تمام نرگس ها، پابرهنه در صف انتظار به نیت آمدنت رکوع عشق رفته اند و نماز ظهور می خوانند.
آقا حیف است اگر نیایی و اشتیاق دلهای بی ریا را بی جواب بگذاری ! حیف است اگر نیایی ! ظهور کن ، عشق من !

آوای دریا ۲۲۴۳۷۳۴.....۲۲۴۶۳۸۴

قطع برق در آب شیرین کن های بندرلنگه و خانه های سازمانی اداره آب بمدت ٤روز متوالی ادامه دارد. گرمای زیاد هوا و بی آبی در سطح شهر، مردم بندرلنگه را کلافه نموده است. این درحالی است که می گویند در زمان کوروش بادست خالی باتلاق را خشک می کردند متاسفانه اکنون ٤روز است که دستگاههای آب شیرین بندرلنگه بعلت بی برقی از کار افتاده و تا به امروز یک فکر اساسی برای رفع این مشکل نشده است در صورتی که می شود بوسیله کابلها یک برق اضطراری در آب شیرین کن ها نصب کرد . معلوم نیست تا کی این خاموشی در قسمت آب شیرین کن بندرلنگه وجود داشته باشد و اکنون مردم بندرلنگه و بندرکنگ و روستای تابعه از نظر تامین آب سخت در مضیقه هستند و اگر این وضع ادامه داشته باشد وضع ناهنجاری برای تامین آب بوجود خواهد آمد. امید است مسئولین فکر چاره ای برای برطرف کردن بی برقی در قسمت آب شیرین کن ها و خانه های سازمانی این اداره انجام دهند .

یک شهروند

از مسئولین مربوطه و نیروی انتظامی تقاضا دارم در مورد مراکز تجاری و بازارهای سرپوشیده ، تدبیری بیندیشند چون در این مراکز و بازارها، بدحجابی بیداد می کند .ما برای بدست آوردن این انقلاب، جوانهای بسیار زیادی از دست دادیم و خون ها ریخته شد . سزاوار نیست که این چنین قدردان خونهای آنها باشیم.

حسینی

با توجه به اینکه بلوار امام حسین (ع) اتوبان اصلی شهر بندرعباس است، متاسفانه وقتی از این اتوبان گذر می کنیم با چاله های بسیاری روبرو می شویم که اگر سرعت ماشین زیاد باشد باعث می شود به سمت دیگر کشیده شویم ویا با همان سرعت از روی این چاله ها عبور کنیم. از مسئولان مربوطه تقاضا داریم به این امر رسیدگی کنند .

یک شهروند

سرمیدان شهربانی ساختمان سیتی سنتر در قسمتی که روی خط بلوار امام خمینی است دو عدد میله آهنی بسیار بزرگ نصب شده است که بنده وقتی از این مسیر عبور می کردم دائم مراقب بودم پای خودم و خانواده به این میله ها برخورد نکند اما متاسفانه دیشب پای من به این میله ها برخورد کرد و الان به حدی ورم کرده که قادر به پوشیدن کفش و رفتن به سرکار نیستم. لطفاًمسئولین مربوطه اقدامات لازم را در این خصوص انجام دهند زیرا این حادثه ممکن است برای بسیاری از شهروندان اتفاق بیفتد.

یک شهروند

بعضی از مغازه داران و کسبه های محترم در جلوی مغازه خود سدی ایجاد می کنند که ماشین ها قادر به پارک کردن نباشند، در صورتی که این مغازه ها حالت انبار ندارد که پارک کردن ماشین باعث مزاحمت برای رفت و آمد آنها باشد. لطفاً مسئولین مربوطه تدابیری اتخاذ کنند.

یک شهروند

شاید این جمعه بیاید ... شاید ...

ظهور کن ، عشق من ! تمامم در انتظار توست

"پیشکش به آنان که با آرزو زیستند و از درس انتظار یک جمعه غیبت نکردند"

...زهرا بیگلری...

برای دیدار چشماهایت پرستوی نگاهم را به کوچ انتظار سپردم و در سکوتی لبریز از نیاز با بارانی از پرواز دل فریاد خواهم نواخت و خواهم خواند: " دلم دلتنگ نگاهی است که چشمانم یتیم دیدار اوست " برای شکست فاصله ی انتظار ندائی می خواهم به وسعت نیاز چشمانت و التماس دستانی سرشار آبی نگاهت و پر و بالی برای کوچ از تبار دلتنگی ها به آشنائی آسمان دلت و ملکوتی که دست به دامان ظهور می شکند از فاجعه فراق و گیتاری برای تنهایی قلبم که از لحظه وصال بنوازد.

بیا که بی تو قلم، توان نوشتن ندارد
واژه های سپیده اشتیاق دمیدن ندارد

سلام ؛ سالهاست که می خواهم با تو حرف بزنم . مدتهاست که می خواهم ببینمت و درد دل کنم، از سالهای بی تو، از روزهای سخت انتظار، از حسرت نگاهم و از سکوت دلی شکسته و تنهای تو !

سالهاست که نگاهم را وقف غروب جمعه هایت کرده ام و دستانم را نذر لحظه آمدنت . یادم می آید وقتی که اولین برگ دفتر انتظارت را سرودم ، شیفته تو شدم نمی دانم چه روزی بود اما همین قدر می دانم که "زیتونها لباس زرد بر تن کرده بودند " چه لحظه با شکوهی بود لحظه دلباخته شدن ، دل دادن به آسمان و دل بریدن از زمین ، لحظه وداع با خاک دلبستگی ها و پیوستن به ملکوت عشق و پاکی ها، اما سالهاست که از آن روز می گذرد و من هنوز در حسرت دیدار توام ، " مرا دریاب ! در ناله ای بی تاب لبخند و صدایم کن به آهنگ وصالت. "

بیا که نرگس ها زخمی نگاه تواند
دیدگان صبح ، زنجیر طلوع تواند

شبهای جمعه که می شود مادر بزرگم همیشه یک شاخه گل نرگس می چیند و یک شمع به نیت شما روشن می کند و تا غروب روز جمعه منتظر می ماند . اما من فلسفه انتظارش را نمی دانم ، خودش می گوید: انتظارش فلسفه ای ندارد و تمامش منطق است. آقا اگر به خاطر ما نیاید بخاطر پاکی و نورانیت دل نرگسها خواهد آمد ، آخر سالهاست که نرگسها خود را وقف انتظارش کرده اند ، بوی آمدنش را می دهند و می دانند " کوچه ای بیش تا پایان انتظار نمانده است " تازه می فهمم که مادربزرگم حتی یکبار هم از درس انتظار غیبت نکرده ! خوش بحالش چه روح بزرگ و با صفایی دارد !

بیا که اشک شب بهانه حضور تو دارد

چه لحظه با شکوهی بود لحظه دلباخته شدن ، لحظه وداع با خاک دلبستگی ها و پیوستن به ملکوت پاکی ها، اما سالهاست که از آن روز می گذرد و من هنوز در حسرت دیدار توام

نسیم ثانیه ها آرزوی ظهور تو دارد

هر سال نیمه شعبان که می شود مادرم با بی تابی تفالی به حافظ می زند و یک پاتیل شله زرد به نیت آمدن شما بار گذاشته و سفره انتظارش را به تبسم دعای عهد تبرک می کند. با ماهی های حوض خانه نجوایی می کند به خود وعده می دهد که امسال می آیی ... ! بچه های محله ، آسمان کوچه را چراغانی کرده ، اقاقی ها را بیدار می کنند؛ شاپرکها را صدا می زنند ، بساط شادمانی را پهن کرده و هر یک ساقی می بدست می شود تا به هر کس که از محله ی نرگسها می گذرد یک لیوان شربت عشق به نیت " الهم عجل لولیک الفرج" نذری دهند. خلاصه اینکه غوغایی در دل مردم محله اقاقی ها بر پاست .حتی عباس آقای محله مون هم که چندان شهرتی به دست و دلبازی ندارد، آن روز همه بچه ها را به شوق تولد شما به کیک و کلوچه دعوت می کند. آقا حیف است اگر نیایی و اشتیاق دلهای بی ریا را بی جواب بگذاری! حیف است اگر نیایی !

بیا که غزل بی تو شعری سپید می ماند
بلوغ واژه ها به انجماد شعر می ماند

دلم می خواهد دو سه جمله ای هم از سایه روشن های روزگار برایتان بنویسم: نمی دانم چرا آدمها تنها شده اند و یکدیگر را نمی فهمند ؟ !

دلها رنگین شده و خانه ها لبریز از خیالات هرز و سبک
لب خیابانها نگاههای هرز روئیده و کسی به فکر هرس کردنشان نیست
در ته کوچه ها به بن بست تردید می رسی و شک چون سایه ای هولناک به دنبالت می دود
نمی دانم چرا آسمان بخیل شده و به دلتنگی زمینیان نمی بارد ؟ !
زمین سنگدل شده و اجازه سبز شدن به هیچ گل عاشقی را نمی دهد
آبی دریاها به سبزی مرداب گرائیده و کسی سراغ چشمه را نمی گیرد
خورشید بهانه گیر شده و از بذل و بخشش به آدمها خسته ، ماه قصد سفر به سیاره ای دیگر دارد !

نمی دانم الان که نامه ام را می خوانی کجایی؟! احساسم می گوید که پاسخم را خواهی داد و مرا خواهی خواند به وادی غریبانه پابوست.
آه ! آقاجان دیر نکن...

مردم جمعه های خود را به خواب شیرین صبح می فروشند و ندبه هایشان را قضا می کنند.
دردناک است ! کسی در سبد عشق از صداقت نمی چیند
آدمها بدنبال هیچهای دورند و کسی از آیه های مهربانی نمی خواند
رگهای هوا پر از قاصدکهایی است که پیامک های دروغ به هم می فرستند
نمی دانم چرا عشق وصله ناجوری شده؟ و دل شکستن تنها هنر مدعیان عشق شده ! قرآنها خاک خورده تر از همیشه هنوز در پشت پنجره های بدرقه جا مانده اند.نماز از نیتهای گم و بیگانه به ستوه آمده !
حج از غصه فقر ، زمین گیر شده

بیا که انتظار هم زانتظار دلگیر است
تمام جمعه زجمعه های دگر دلسیر است

نمی دانم الان که نامه ام را می خوانی کجایی؟ ! احساسم می گوید که پاسخم را خواهی داد و مرا خواهی خواند به وادی غریبانه پابوست .

آه ! آقاجان دیر نکن، هر کجا هستی زود بیا ! شعرهایم از پس وزن و قافیه بر نمی آید و احساس، قلمم را یاری نمی کند،ورق بی شکیبی می کند، واژه ها بی قرارند و دفتر شعرم خود را به خواب زده است و تا نیایی اشتیاق سرودن هیچ عشقی را ندارم.مهدی جان از بس نیامدی دلم پوسید ، حسرت ندیدنت در روحم رخنه کرده و مثل خوره ای به جان دلم افتاده، اگر نیایی دل می میرد و پرنده حسرت در قفس قلبم آشیانه می زند. کی می آیی؟ قیمت آمدنت چیست ؟ هر چه که باشد (عمر و جوانیم) می پردازمش تا طلسم همه بودنم در تمنای جوابت بشکند و سراسر خدا شوم و خدا بی رنگی است و عشق همرنگ خداست و من عشق می شوم تا تمامم را به پایت بریزیم. دلم می خواهد باز هم برایت بنویسم اما یادم آمد که باید نرگسهای باغچه مان را آب بدهم. آنها برای آمدن تو در حالی که به رکوع رفته اند دعا می کنند ، حتما رکوع نرگسها را دیده ای ؟ !

فقط از نرگسها می توان فهمید «کی و کجا وعده دیدار ما ؟ !» پیش از نوشتن این نامه تفالی به حافظ زدم، آمد:

« مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
که زانفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر کن ناله و فریاد که دوش
زده ام فالی و فریاد رسی می آید...

انتظار کافی نیست،پدرم می گوید:
انتظار را باید آموخت
منتظر باید بود
اما ؛ذهن من ایمان دارد
عشق به انتظار باید داشت
آموختن خود خواهد آمد... .

به رایحه خوش گلستان محمدی (ص)

عشق گم شده

...سیدرضا هاشمی زاده...

عشق گم شده آخرین نشانی ات کجاست؟می دانی یکایک کوچه دلها را به شوق زیارت ابروانت ورق زده ایم. آفتاب غایب، ابر کدر فاصله ات را کدامین تو فان آتش التهابمان می سترد ؟ هزاران صحرای تمنا، بی نهایت بیابان اشتیاق، گلوی فوران بی قراریمان را می فشرد دستی به نوازش مژه های خیسمان بر نمی افرازی؟ عطر ناز نرگس ، بهار سبز پائیز بلند انتظار، صبح و شب ، سمکویه اسب سپیدت را تشنه ایم، وسعت کاسه زار عطشمان را چرا دیگر اکنون درنمی یابی؟ موعود پنهان، شبهای فراق ما چه طولانی است،چشمان ما خشکیده از مهربانی است ، لحظه هامان سراسر بیابانی است، مهر و عشقمان بی مقدار و خیابانی است . دستانمان تهی از شراب آسمانی است ،پس کی غبار معطر شعله قدمهایت را به ریه های گرسنه امان می دمانی ؟

باران سبزترین، چاووش غزلخوان عشق و مستی ، دیریست دیدگان طاقت ما در حسرت تماشای سرو قامتت ، بی تاب و آواره است. ای سراینده واپسین آوازهای ربانی ، دور گاهی است به آزروی ظهور خورشیدت ، پنجره شکسته قلبهامان هم پلک بر هم نبسته اند . سوره روشنایی بها ر،نجیب نهان ، قبله سپیده و قنات امید، شانه هامان تکیده، جنگل باورمان آفت آلوده ، روز هامان شب زده ،ساقه های یادمان فرسوده ، سقف اندیشه امان ترکیده، پس کی به التیام زخم جانمان می آیی؟

غربت شکن عصمت آل یاسین ، آیه ناب نیایش و عصاره ملکوتی سیب آفرینش ،تلخکامی هزار و چند صدساله امان، شهد اعجاز حضورت را می جوید پس چه زمان ذائقه تقویم مان را شیرین می داری؟

سحرنشین سجده خیزان دردآشنا ،سرفصل دیوان آینه ها ، قائم قائمه نور و شعور، ارتفاع صعب العبور عدالت، بی اقتدار پیشوایی تو و پژواک صاعقه انگشتانت، رویایی حقیراست که عدل ،برابری ، انصاف و انسانیت را روح و روان و انتهایی . قرنهاست چشم براهان با سینه هایی پر شرر و جانی گداخته ،افق جاده های زمان را می پایند تا یکه سوار قبیله هاشمی ، مولای فدائیان فاطمی در رسد و مهر راز ناگشاده "حاکمیت صالحان "را از دروازه های زمین فک دارد.

پیشاهنگ تمامی سپیدی ها ،کویرستان سربی و سنگین دوری ات ، روح صمیمی شعر مان را پژمرده ،واژه هامان در بدر ،قصه هامان بی ته و سر،لشگر انبوه گم گشتگی غوغا می کند، دیگر اکنون پرده های فرقت را بزدای که رمه های مراتع جانمان بی شکیب ترینند ، حجت بشارت وراثت زمین به صالحان و خوبان ،معصوم چهاردهم، یوسف ثانی،خسروی خوبروی خلقت ،شمیم ناز شکفتن تو می وزد.

ای نرگس زهرایی ،از قبیله شیدایی، راستی کی می آیی ؟
میلادت مبارک

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه عقیل زینلی بخوانی فرزند علی به استناد یک فقره استشهادیه محلی در خصوص پلاک ٤١٠٩ فرعی از ٣ - اصلی مدعی شده است که سند مالکیت شماره ٨٢٨٨٧٧ت٧٥که در صفحه ١٠٩ دفتر ١١٢ ذیل ثبت شماره ٢٠٥٧٠ ثبت و سند بنام آقای اسماعیل باقرزاده همایی صادر و تسلیم گردیده است و سپس برابر سند ٨٣٥٩٦ مورخ ٨١/٥/١٠ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ٦ بندرعباس به آقای عقیل زینلی بخوانی انتقال قطعی یافته است و برابر سند شماره ٨٣٦٠٦ و٨٣٦٠٥ مورخ ٨١/٥/١٠ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ٦ بندرعباس نزد بانک مسکن شعبه پاسداران بندرعباس می باشد به علت جابجایی مفقود گردیده است نامبرده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا باستناد ماده ١٢٠ آئین نامه اصلاحی و تبصره ذیل آن بدینوسیله اعلام می شود هر کس مدعی انجام معامله نسبت به پلاک مذکور و وجود اصل سند مالکیت در نزد خود می باشد بایستی از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت به این اداره تسلیم و رسید اخذ نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی مذکور و عدم وصول اعتراض و یا وصول اعتراض و عدم ارائه سند نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضی اقدام خواهد شد .

سرپرست ثبت اسناد و املاک بندرعباس - علی محمودی

آگهی فراخوان عمومی

احداث و راه اندازی شهربازی پارک کوثر

به استناد مجوز شماره ١٨٨ مورخ ٨٧/٤/٢٣ شورای محترم اسلامی شهر میناب ،شهرداری میناب در نظر دارد پروژه احداث و راه اندازی شهربازی پارک کوثر را از طریق آگهی فراخوان به بخش خصوصی واگذار نماید .

لذا از افراد حقیقی و حقوقی واجد شرایط برای حضور در فراخوان دعوت بعمل می آید نسبت به دریافت اسناد فراخوان از تاریخ درج آگهی حداکثر به مدت ١٠ روز به واحد حقوقی شهرداری مراجعه نمایند .

شرایط :
- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
- کلیه هزینه چاپ و نشر آگهی با برنده فراخوان می باشد.

روابط عمومی شهرداری میناب

آگهی فراخوان عمومی شهرداری سوزا

شهرداری سوزا جهت اجرای پروژه های عمرانی سال جاری خود شامل :

ردیف	پروژه	مبلغ پیمان (ریال)	محل اجرای پروژه	رشته
١	تکمیل بلوار خلیج فارس	١/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠	شهر سوزا	حمل و نقل
٢	احداث وبهسازی میدان مرکزی شهر	١/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠	شهر سوزا	حمل و نقل
٣	تکمیل پارک ساحلی	٧/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠	شهر سوزا	حمل ونقل

پیمانکاران تعیین صلاحیت شده سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رشته حمل و نقل یا ساختمان که دارای ظرفیت آماده بکار متناسب با برآورد پروژه باشد را جهت بررسی مدارک و ارزیابی فرا می خواند . پیمانکاران یاد شده از تاریخ انتشار آگهی حداکثر مدت ده روز جهت تحویل مدارک و مستندات به شرح ذیل :

١- مدارک ثبت شرکت (اساسنامه - آخرین تغییرات) ٢- رتبه بندی از معاونت برنامه ریزی استانداری ٣- ارائه سوابق پرسنلی مرتبط با موضوع فراخوان (اعم از مدیر پروژه ،کارشناس و غیره) ٤- سابقه کار مرتبط و ارائه لیست ماشین آلات مرتبط با اجرای پروژه ٥- ارایه تاییدیه یا رضایت نامه از سایر سازمان ها یا ارگان ها به شهرداری سوزا مراجعه نمایند.ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده می باشد .

روابط عمومی شهرداری سوزا

خجسته میلاد با سعادت یگانه منجی عالم بشریت
مهدی موعود (عج) به همه شیفتگان و ارادتمندان آن حضرت
مبارک باد

روابط عمومی شرکت مدیریت تولید برق خلیج فارس

در راستای ارزش نهادن به تلاش و کوشش بهره برداران عرصه صید در دریا
برنامه رادیویی صدای صیاد دوشنبه از ساعت ١٣ از مرکز صدای خلیج فارس
پخش می گردد

معاونت صید و بنادر ماهیگیری شیلات هرمزگان
اداره امور صیادان